

منوچهر بهزادی

درباره

دو برخورد نادرست در جنبش ضد دیکتاتوری

در همان حال که جنبش ضد دیکتاتوری در مجموع به تشخصی درست هدف خود و انتخاب وسیله و شیوه درست مبارزه برای نيل به اين هدف گسترش مي يابد و برخورد نادرست نيز هم در مورد هدف هم در مورد وسيله و هم در مورد شیوه مبارزه در اين جنبش آشکارا به چشم مي خورد.

این دو برخورد نادرست یکی از موضوع "چپ" است و دیگری از موضوع راست است. در برخورد نادرست هم طبقات است، هم معرقتی و هم مشکوک. طبقاتی است به این معنی که کسانی به سلب منافع طبقاتی خود چنین برخورد های نادرستی دارند. معرقتی است به این معنی که کسانی در ارزیابی هدف، وسیله و شیوه مبارزه در شرایط شخصی کنونی دچار اشتباهند. مشکوک است به این معنی که دشمن و یا چه در برنامه، تکامل خواهد یافت، از هم اکنون قابل پیش بینی نیست. و یا بهی است که نیروهای خلقی و انقلابی می خواهند و می گویند که جنبش را چه صفت بر دهد؟ جنبش را هر چه رادیکال تر سازند. ولی این بسته به تناسب نیروها در داخل و خارج بسته به فعالیت نیروهای خلقی و انقلابی بسته به سیاست درست و مهارت آنها در استفاده از امکانات است. در هر حال آنچه سلب سیاست گزینشی است این نیست که می توان چیزی بود بلکه باید آزاد رهیگشت و از میان برداشته رانی توان تا آزاد. بلکه باید آنرا با سیاست واقع بینانه و خردمندانه رهبری کرد. از همین جاست که باید تمام نیروها را درست برای سرنگونی رژیم استبدادی و محمدرفشاه تجزیه کرد به وسیله راهبردی کامل بعدی جنبش هموار ساخت. ولی در هر حال پس از سقوط رژیم استبدادی و محمدرفشاه، ما خواهان دولتی هستیم که گامی به سیاست مستقل ملی همی و متوقف و آزاد می های دموکراتیک مردم را میسر نماید.

در مورد وسیله نيل به هدف جنبش در شرایط شخصی کنونی برخورد نادرست از "چپ" به طور صدها به شکل مخالفت با شعار سرنگونی رژیم استبدادی و محمدرفشاه، بعنوان شماری "بوروکراسی" و "سازشکارانه" به سرور می کند. چپ روان و چپ نمایان در همان حال کارکرد سرنگونی رژیم شاه سخن می گویند، به جای این شعار "استقرار" جمهوری سوسیالیستی دموکراتیک "با" جمهوری دموکراتیک توده ای را هدف می یابند تا سلب جنبش اعلام می کنند.

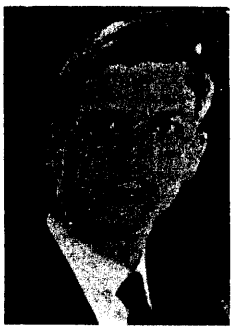
در مورد وسیله نيل به هدف جنبش در شرایط شخصی کنونی برخورد نادرست از "چپ" به طور صدها به شکل مخالفت با شعار سرنگونی رژیم استبدادی و محمدرفشاه، بعنوان شماری "بوروکراسی" و "سازشکارانه" به سرور می کند. چپ روان و چپ نمایان در همان حال کارکرد سرنگونی رژیم شاه سخن می گویند، به جای این شعار "استقرار" جمهوری سوسیالیستی دموکراتیک "با" جمهوری دموکراتیک توده ای را هدف می یابند تا سلب جنبش اعلام می کنند.

در مورد وسیله نيل به هدف جنبش در شرایط شخصی کنونی برخورد نادرست از "چپ" به طور صدها به شکل مخالفت با شعار سرنگونی رژیم استبدادی و محمدرفشاه، بعنوان شماری "بوروکراسی" و "سازشکارانه" به سرور می کند. چپ روان و چپ نمایان در همان حال کارکرد سرنگونی رژیم شاه سخن می گویند، به جای این شعار "استقرار" جمهوری سوسیالیستی دموکراتیک "با" جمهوری دموکراتیک توده ای را هدف می یابند تا سلب جنبش اعلام می کنند.

در مورد وسیله نيل به هدف جنبش در شرایط شخصی کنونی برخورد نادرست از "چپ" به طور صدها به شکل مخالفت با شعار سرنگونی رژیم استبدادی و محمدرفشاه، بعنوان شماری "بوروکراسی" و "سازشکارانه" به سرور می کند. چپ روان و چپ نمایان در همان حال کارکرد سرنگونی رژیم شاه سخن می گویند، به جای این شعار "استقرار" جمهوری سوسیالیستی دموکراتیک "با" جمهوری دموکراتیک توده ای را هدف می یابند تا سلب جنبش اعلام می کنند.

در مورد وسیله نيل به هدف جنبش در شرایط شخصی کنونی برخورد نادرست از "چپ" به طور صدها به شکل مخالفت با شعار سرنگونی رژیم استبدادی و محمدرفشاه، بعنوان شماری "بوروکراسی" و "سازشکارانه" به سرور می کند. چپ روان و چپ نمایان در همان حال کارکرد سرنگونی رژیم شاه سخن می گویند، به جای این شعار "استقرار" جمهوری سوسیالیستی دموکراتیک "با" جمهوری دموکراتیک توده ای را هدف می یابند تا سلب جنبش اعلام می کنند.

در مورد وسیله نيل به هدف جنبش در شرایط شخصی کنونی برخورد نادرست از "چپ" به طور صدها به شکل مخالفت با شعار سرنگونی رژیم استبدادی و محمدرفشاه، بعنوان شماری "بوروکراسی" و "سازشکارانه" به سرور می کند. چپ روان و چپ نمایان در همان حال کارکرد سرنگونی رژیم شاه سخن می گویند، به جای این شعار "استقرار" جمهوری سوسیالیستی دموکراتیک "با" جمهوری دموکراتیک توده ای را هدف می یابند تا سلب جنبش اعلام می کنند.



به مناسبت
سالروز
شهادت
رفیق
هوشنگ

تیزابی صدایی که آینده را سرشار میکند

"من از نعت شروع کردم و به این پایان رسیدم. نعت را حزب توده سرودم. مردم بود. اما ایمن به این حزب تیره شد و شهادت و سوسیالیسم را خودم با تمام کینه ام گور بود. اما ایمن چراغ در دست داشت. هیچ دستی بلندتر از دست حقیقت نیست..."

رفیق هوشنگ تیزابی

سخن گفتن از رفیق شهید یکی از دگرگون خورنده و گل سرخ خفته است. آن سخن است که جهان را سوخت می دهد. هوشنگ تیزابی خودبخود از مفهوم وسعت جهان بود. این سرشرفی مارکسیست تنها همه لحظه های زندگی بر سر راه خود، که حتی مرگش را به خشم و گمراهی نرسوند و بدل کرد که مزاج مبینش را برای حاصلخیز ترس بذرها، شخم زد. او در هر لحظه به سوسیالیسم شعله و رشاد و سوخت و خاکسترش در چشمه ها و رود ها دریاچه های وطنش منتشر شد. در دقایق مرگ در تانگش، به درخشی که او را سلی می کرد، نپسند زد: "گرم که زندگی را گرفته است. با روح و سینه ما چه می کند؟ روح ما در میان مردم باقی می ماند و با آن ها سخن می گوید."

بدن هوشنگ تیزابی توان شهیدان کرد. جسدها آرامی توان در گورهای تانگش می دم کرد. اما اشباح و خاطرهای هارا نمی توان هوشنگ تیزابی می دانست که اگر در زخم و دهان او را برگ و شکجه بود در دره او باد های خاطره ها همچنان سخن خواهد گفت و این سخن ها خاطرهای تید بله صافه و سبوع خواهد شد. او با این ایمن ایمنی در جبهه قاتل خود فریاد زد:

"با درباری خون هم نمی توانید به ما دست خودتان امیدوار باشید. بدبخت؟ ای سینه بدبختی در شکجه گاه شما از منم قوی تریم."

در سالروز شهادت رفیق تیزابی، به یاد داریم که او نخستین توده ای از نسل نو بود که بر سر آرمان های پرولتری و جنس این جان و خون خود را نقد کرد. در این راه پهلوی سترگ، سه بار به زندان افتاد، در زندان در اسارتگاهها و شکنجه گاهها به نبرد روحی و جسمی و کشش که هم زندانیان و هم در زخم راه ستود آورد ادامه داد. در زندان گاه نظامی شاه فریاد زد:

"در جهانی که نمی آید که کونیت ها تشکیل می دهند و هر روز بر حجم این نیمه سخت و شاداب استزود می شود، چگونه می توان کونیت را در دست و پا و سینه و سر آن تیغ کشید؟ چگونه می توان نفسی را که در تنگ نظرها زبوا گدازد؟ تا بلو هسای صبور منور بر سر راه تاریخ، هدف تراز متراکم های فرسوده و سرنگون شده مزه نیستند."

هوشنگ در این همه شب های تکراری، به یاد لوری خستگی ناپذیری که شمشیر می زد، هجوم می برد، تیغ می کشید به قلب توپان و خطر می تاخت و از حقانیت مرام و اعتقاد خود سخن گفت. او را مبارک کسب به عنوان یک دروازه صحرای که هرزهای جز آن به توجس طغیان بر سر می کرد و یاد کرد. او را تیزابی نگردد به داستان رادیکال و سوسیالیستی کونیت ها از روی می پای خواند که حتی در باران طغیان از اسکه افتاد است. رفیق تیزابی خطاب به فصاحت نظامی گفت:

... آقا جان، اگر حوصله دارید، نگاه کنید و ببینید چقدر ازید تا اسطوره وطن پرستی را در خوره کنید. ترسین خورشید ها ببینید. و بتنام همان معنی مبین پرستی کونیت می است.

به حرم این عشق و ایمن خلل ناپذیر بود به سال زندان محکم شد. در زندان او به کار با همان خورشید و تیش که جواب راجت نمیشد. در تاله در صفحه ۳

درد پرشور به انقلاب دموکراتیک افغانستان

آینده ای پر از موفقیت و در راه بهرزی، آزادی و ترقی خلق افغانستان را توید می دهد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران باین درد که شورای انقلاب تحت رهبری راجل انقلابی برجسته ای چون شامو و گورغزای ارجمند در سر به دموکراتیک با قاطعیت و از خود گذشتگی، با مهارت و تدبیر و حساسیت انقلابی، بر گنهی د شوری های بزرگی که در سر راه تحقق هدف های دموکراتیک جمهوری جوان افغانستان قرار دارد غلبه نموده به سبب سربلندی و غلبه تاریخی خود را در جهت تحول هر چه سریع تر در مبین مزیتان، به سوی قله های تابناک ترقی، رفاه و دموکراسی به انجام خواهد رساند.

باین تاصیح و دلشاد مسد کابین هونز از تاج مسر استب تردید و بیست که مردم ایران این گام های بزرگ انقلابی خلق برادر افغانستان را کنگ بزرگی به پشت و پیش جنبش ملی دموکراتیک خود شمرده و باران و جان پشتیبان آن هستند.

اجازه دهید یک بار دیگر مراتب شادمانی صمیم حزب توده ایران و تیریکات قلبی همه یقنا و شخصی خود را تقدیم کرده و از صمیم قلب گام های نام و برای شورای انقلاب تحت رهبری شما آزادگان، بسم زند و یاد خلق قهرمان افغانستان!

گام های شورای انقلاب افغانستان!

باینده با جمهوری دموکراتیک افغانستان!

کمیته مرکزی حزب توده ایران در نامه ای که به امضا و بهاول حزب رفیق اصبح اسکندری خطاب به خلق و صدر شورای انقلاب توده مردم ترک، ارسال داشته و مراتب شادمانی و همبستگی خود را با خلق برادر افغانستان به نحو زوین ابرار نموده است:

"بهرزی بزرگ انقلابی خلق برادر افغانستان و اعلام جمهوری دموکراتیک در سرزمین هساده و یواره د یوار ایران، به حق شور و شادی فراوانی راه تپنا در درون حزب توده ایران، بلکه تر همه طبقات و قشرهای ملی و آزاد پناه کشور را برانگیخته است. به نام کمیته مرکزی حزب توده ایران از طرف همه اعضا، حزب و نیز از جانب خود، به قلبی آکنده از شادی این گام های بزرگ تاریخی راه شما و به وسیله شما به کمیته مرکزی حزب براتحاد دموکراتیک خلق افغانستان و همه اعضا، حزب شما صمیمانه تبریک می گویم و تقاضای از احساسات برادرانه صمیم و تیریکات صادقانه حزب مارا به خلیس قهرمان افغانستان منتقل فرماید.

انقلاب ملی و دموکراتیک افغانستان که بنگ به رهبری کمیته مرکزی حزب بر اتحاد دموکراتیک خلق افغانستان به بهرزی رسیده است، بی تردید در دشمنان ترین صدمه تاریخ کشور عزیز شما را می کشاند و

کارگران ایران، در راه احیای سازمان های صنفی و سیاسی خود مبارزه کنید!